

معنویت

(رسالت نهایی شما)

دکتر وین دایر

ترجمه علی علی پناهی

نشر آسیم

تهران، ۱۳۸۷

سرشناسه: دایر، وین، ۱۹۴۰ - م. (Dyer, Wayne W.)
 عنوان و پدیدآور: معنویت رسالت نهایی شما/ وین دایر؛ ترجمه علی‌پناهی.
 مشخصات نشر: تهران: آسیم، ۱۳۸۵.
 مشخصات ظاهری: ۳۴۹ ص.
 شابک: 964-418-292-8
 یادداشت: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی: (Inspiration (your ultimate calling)
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.
 موضوع: زندگی معنوی.
 موضوع: الهام - جنبه‌های مذهبی.
 موضوع: ابراز وجود - جنبه‌های مذهبی.
 شناسه افزوده: علی‌پناهی، علی، ۱۳۲۸ - مترجم.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۵ م ۶ د ۲۴ / BL ۶۲۴
 رده‌بندی دیویی: ۲۰۴/۴
 شماره کتابخانه ملی: ۸۵-۳۷۳۹۵ م

این کتاب برگردانی است از:

INSPIRATION
Your Ultimate Calling
 by

Dr. Wayne Dyer

Hay House, Inc., U.S.A., 2006

حروف‌نگار: مسعود عباسی

آماده‌سازی و اجرا: امیر عباسی

چاپ دوم: ۱۳۸۷

شمار نسخه‌های این چاپ: ۲۲۰۰

حق چاپ برای نشر آسیم محفوظ است

چاپ: چاپخانه سهند

صحافی: صحافی گسترش

مرکز پخش: نشر آسیم

تلفن و دورنگار: ۸۸۷۴۵۰۰۲ - ۸۸۷۵۰۳۸۳ - ۸۸۵۱۵۶۷۶ - ۸۸۷۵۵۶۷۸

بها: ۴۹۰۰ تومان

فهرست

مقدمه ۳

بخش اول: معنویت - زندگی معنوی

- فصل ۱. با معنویت زندگی کنید ۹
- فصل ۲. زندگی شما قبل از تولد شما در قالب یک جسم ۲۵
- فصل ۳. چرا ما هویت الهی و معنوی دائمی خود را رها کردیم؟ ۴۱
- فصل ۴. بازگشت به معنویت چگونه احساسی است ۵۹
- فصل ۵. مسیر خود را به سوی زندگی توأم با معنویت آغاز کنید ۷۹

بخش دوم: اصول معنویت

- فصل ۶. اصول اساسی برای این‌که راه خود را به سوی یک زندگی معنوی ۹۹
- فصل ۷. معنویت و عظمت خود شما ۱۱۷
- فصل ۸. معنویت ساده است ۱۳۳
- فصل ۹. هیچ چیز قوی‌تر از عقیده‌ای نیست که زمان به بار رسیدن آن ۱۵۵

بخش سوم: ارائه معنویت به دیگران و کسب معنویت از دیگران

- فصل ۱۰. کسب معنویت از دیگران ۱۷۵
- فصل ۱۱. برای دیگران منشاء معنویت باشید ۱۹۹
- فصل ۱۲. انرژیهای معمولی و غیرالهی را رها کنید ۲۱۹
- فصل ۱۳. معنویت در عمل ۲۴۳

بخش چهارم: با خالق هستی بخش خود گفتگو کنید

- فصل ۱۴. خالق هستی بخش شما فقط می تواند آن چیزی باشد که هست .. ۲۶۳
- فصل ۱۵. خالق هستی بخش ما حکیم است ۲۷۹
- فصل ۱۶. نکاتی در مورد ذکر و یاد خدا ۲۹۵
- فصل ۱۷. زبان خداوند ۳۱۱

بخش پنجم: دیدگاه شخصی در مورد معنویت

- فصل ۱۸. وقتی انسان معنوی هستم چه احساسی در مورد زندگی دارم ۳۳۱

«بالاترین معرفتی که انسان می‌تواند به دست آورد عبارت است از آرزو برای صلح، آرزوی هماهنگی خواست وی با یک اراده بی‌پایان و آرزوی وحدت اراده انسانی وی با اراده الهی است.»

آلبرت شوایتزر^۱

رقص آن‌جاکن که «خود»^۲ را بشکنی
پسبه را از ریش شهوت برگتی
رقص و جولان بر سر میدان کنند
رقص اندر خونِ «خود»، مردان کنند
چون رهند از دستِ «خود» دستی زنند
چون جهند از نقصِ «خود» رقصی کنند
مطربانشان از درون دف می‌زنند
بسحرها در شورشان کشف می‌زنند

1. Albert Schweitzer

۲. منظور از این «خود» همان خودخواهی یا منیت است. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به صفحه ۱۰۶ کتاب قدرت اراده از همین نویسنده، همین مترجم و همین ناشر.

این کتابی است کاملاً شخصی که در این ۲۵ سال نویسنده‌گی، به نگارش در آورده‌ام. تصمیم گرفته‌ام از نمونه‌های زندگی خودم استفاده کنم - یعنی، نمونه‌هایی که تجربه دست اول از آنها داشته‌ام. ماهیت شخصی بودن این کتاب انتخابی آگاهانه است. با ادامه کار متوجه شدم، برای نوشتن دربارهٔ موضوعی کاملاً نظری چون معنویت، باید آن چیزی را بیان کنم که امکان آن را حتی المقدور صحیح می‌دانم. دقیقاً همان‌طور که انسان هرگز نمی‌تواند از روی توصیف فرد دیگر عملاً بفهمد آن به چه طعمی دارد، من هم نخواهم توانست با ذکر نمونه‌هایی از دیگران به نحو مطلوبی شناخت خودم را در بارهٔ احساس معنویت بیان کنم. با نوشتن از درون قلبم توانسته‌ام طعم معنویت را در این صفحات زنده نگه دارم.

(در ضمن، اگر علاقمند هستید بدانید چرا در عکس روی جلد این کتاب من بالذت به یک پروانه نگاه می‌کنم، فصل آخر را که عنوان آن هست «وقتی انسان معنوی هستم چه احساسی به زندگی دارم»، بخوانید. وقتی در حال اتمام این اثر بودم، تجربه و برخورد فوق‌العاده عجیبی با ظریف‌ترین مخلوق خدا داشتم. در فصل آخر، آن تجربه شگفت‌انگیز را بیان کرده‌ام، در ضمن این نکته را نیز گفته‌ام که اگر دیدگاه‌های مطرح شده در سرتاسر کتاب معنویت را به کار ببندید زندگی شما چگونه ممکن است به نظر برسد.) همچنین متوجه هستم که در سرتاسر این کتاب یک مضمون را مرتب تکرار کرده‌ام. تصمیم گرفتم که این تکرار را اصلاح نکنم، زیرا این کتاب را ابزاری می‌دانم تا به وسیله آن شما را به جایگاهی بپرسم که واقعاً متوجه شوید انسان معنوی بودن یعنی چه.

این مضمون که بارها تکرار شده است این است که: با معنویت زندگی کنید، شما از ملکوت و عالم معنا آمده‌اید. و برای این که انسان معنوی باشید باید بیشتر شبیه به جایی باشید که از آن‌جا آمده‌اید. شما باید به گونه‌ای

زندگی کنید که بیشتر شبیه خدا باشید.

یکی از معلمین و نویسندگان مورد علاقه من، آنتونی دُمِلو^۱، کشیشی کاتولیک بود که در هندوستان زندگی می‌کرد و می‌توانست با استفاده از هنر داستان‌سرایی، موضوعات پیچیده فلسفی را به تعالیم ساده و قابل فهم تبدیل کند. در این جا به داستان کوتاهی از کتاب قلب روشن‌اندیش^۲ یا قلب انسان آگاه اشاره می‌کنم که در آن پدر دُمِلو بسیاری از مطالبی را که می‌خواهم در مورد زندگی معنوی برای شما بیان کنم جمع‌بندی می‌کند: مُرید زانو زد تا شاگردی و پیروی خود را شروع کند. استاد در گوش او ذکر مقدسی را زمزمه کرد، در عین حال به او گوشزد کرد تا آن را برای کسی فاش نکند.

مرید پرسید: «اگر این کار را بکنم چه اتفاقی خواهد افتاد؟» استاد گفت: «ذکر را به هر کس بگویی از بند جهل و رنج رها خواهد شد، اما خود تو از شاگردی محروم خواهی شد و گرفتار عذاب و لعنت ابدی خواهی شد.»

شاگرد بلافاصله پس از شنیدن آن کلمات به سوی بازار شتافت، جمعیت زیادی را اطراف خود جمع نمود و ذکر مقدس را برای همه آنها بازگو نمود. بعدها شاگردان این موضوع را به استاد خبر دادند و خواستند تا آن مرد به دلیل نافرمانی از مدرسه اخراج شود.

استاد لبخندی زد و گفت: «او نیاز به چیزی ندارد تا من بتوانم پیاموزم. عمل او نشان داده است که صلاحیت دارد تا استاد باشد.»

اطمینان دارم اگر در این کتاب غرق شوید معنای این داستان روشن‌تر خواهد شد. شما رسالت سنگینی دارید تا به معنویت برگردید. این رسالت هم‌اکنون در زندگی شما حضور دارد، در غیر این صورت نیازی نبود همین

کلمات را در همین لحظه بخوانید. به شما توصیه می‌کنم به آن رسالت الهی خود توجه کنید و سعی کنید با انتخاب یک زندگی معنوی، لذت نابی را که در انتظار شما است، تجربه کنید.

وین دایر

www.ketab.ir